



یکشنبه-۱۹مرداد۱۴۰۴- سال یازدهم- شماره ۲۲۷۱

## ۲ توسعه دریا



### تاسماهی شپب در رده نخست خطر انقراض ماهیان خاوباری

رئیس انستیتو تحقیقات بین‌المللی ماهیان خاوباری گفت: از بین پنج گونه تاسماهی خاوباری در معرض خطر انقراض شامل؛ تاسماهی شپب، اوزون برون، فیل ماهی، تاسماهی روسی و تاسماهی ایرانی، گونه تاسماهی شپب در رده اول خطر انقراض قرار دارد. به گزارش اقتصادسراسرآمد، عقبیتی سرپناه ، تاسماهی شپسب را یکی از گونه‌های پائوارزش تاس ماهیان دریای کاسپین عنوان وبه ایرنا اظهار کرد: این گونه در فهرست قرمز اتحادیه بین‌المللی حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض خطر شدید انقراض قرار دارد.

وی تصریح کرد: طبق گزارش‌های سازمان خواروبار جهانی (FAO) و نیز کنوانسیون بین‌المللی تجارت گونه‌های گیاهی و جانوری وحشی و در معرض انقراض یسا سائپتیس(CITES)، ذخایر طبیعی تاسماهی شپب در دریای کاسپین، دریای سیاه و حوزه آرال طی ۳۰ سال گذشته بیش از ۸۵درصد کاهش یافته و این گونه هم اینک در لیست قرمز سائپتیس قرار دارد.

به گفته وی، گوشت و خاوبار تاسماهی شپب از نظر اکولوژیکی اهمیت فراوانی دارد اما در دهه‌های اخیر صید بی‌رویه، آسیب و تخریب زیستگاه‌ها و کاهش کیفیت آب، جمعیت طبیعی این ماهیان را به شدت کاهش داده است و امروز تنها کشورهایی ایران، روسیه و قزاقستان برای احیای ذخایر این گونه ارزشمند تلاش می‌کنند.

سرپناه اضافه کرد: با توجه به وضعیت بحرانی ذخایر ماهیان خاوباری دریای خزر که تحت تأثیر عواملی چون صید بی‌رویه، تخریب زیستگاه‌ها، آلودگی‌های فزاینده، تغییر اقلیم، کاهش سطح آب دریا و ورود آلاینده‌ها قرار گرفته‌اند برای حفظ این گونه‌های ارزشمند باید اقدامات علمی و حفاظتی فوری و ضروری انجام داد.

رئیس انستیتو تحقیقات بین‌المللی ماهیان خاوباری تصریح کرد: انستیتو تحقیقات بین‌المللی ماهیان خاوباری به عنوان نهادی تخصصی و مرجع علمی در این زمینه، مجموعه‌ای از برنامه‌ها و طرح‌های ملی و بین‌المللی را در دستور کار دارد.

وی عنوان کرد: در این راستا پروژه‌های تحقیقاتی متعددی در زمینه‌های مختلف از جمله اکولوژی ماهیان خاوباری در زیستگاه‌های طبیعی و تحت شرایط پرورشی، تکثیر کنترل شده، بازسازی جمعیت‌های ماهیان خاوباری، ارزیابی ذخایر، فیزیولوژی و بیوشیمی، ژنتیک و اصلاح نژاد، بیوتکنولوژی و ژنتیک جمعیت، آبی‌پروری ماهیان خاوباری، مطالعات اکوتوکسی‌کولوژی، و تکنولوژی فرآوری محصولات خاوباری انجام می‌دهد.

سرپناه ادامه داد: با توجه به ممنوعیت صید و کاهش شدید جمعیت ماهیان خاوباری و کمبود مولدین وحشی در طبیعت، تأمین مولدین برای تکثیر مصنوعی یک چالش بزرگ محسوب می‌شود.

وی افزود: انستیتو تحقیقات بین‌المللی ماهیان خاوباری برای رفع این چالش راهکارهایی مانند استفاده از پرورش مولدین در بانک ژن زنده در انستیتو تحقیقات بین‌المللی ماهیان خاوباری و مراکز تکثیر و بازسازی ذخایر ژنتیکی ماهیان خاوباری (مرکز شهید بهشتی و مرکز بازسازی و حفاظت از ذخایر ژنتیکی ماهیان دریایی مرحوم دکتر یوسف پور در استان گیلان، مرکز تکثیر و بازسازی ذخایر ژنتیکی ماهیان خاوباری شهید رجایی در مازندران و مرکز تکثیر و بازسازی ذخایر ژنتیکی ماهیان خاوباری شهید مرجانی و سد وشمگیر در استان گلستان) به عنوان جایگزین مولدین وحشی در دستور کار قرار داده است.

رئیس انستیتو تحقیقات بین‌المللی ماهیان خاوباری تصریح کرد: استفاده از تکنیک‌ها و فناوری‌های نوین مانند بیوپسی (برداشت تحمک بدون کشتن ماهی) و جمع‌آوری لاروهای طبیعی از رودخانه‌ها، همکاری با مراکز پرورشی به منظور توسعه مزارع پرورشی تحت نظارت علمی برای تأمین بخشی از مولدین از دیگر راهکارهایی است که در این زمینه ارائه شده است. سرپناه کنترل و جلوگیری از قاچاق مولدین با همکاری نهادهای امنیتی برای جلوگیری از خروج غیرقانونی ماهیان خاوباری مولد از کشور و حفاظت از جمعیت‌های باقی‌مانده، شناسنامه‌دار کردن ژنتیکی و برنامه‌های تکثیر انتخابی (Selective Breeding) برای حفظ تنوع ژنتیکی و افزایش راندمان تولید را از جمله اقدامات این انستیتو برای تأمین مولدین برای تکثیر مصنوعی عنوان کرد.

وی با بیان اینکه انستیتو از طریق حمایت علمی از مزارع پرورش ماهی خاوباری در این زمینه فعال است، گفت: یکی از مهمترین راهکارها برای تأمین مولدین مورد نیاز پرورش ماهیان خاوباری از مراحل اولیه تا رسیدن به سن بلوغ و تبدیل شدن به مولدین در مزارع آبی‌پروری تکثیر و پرورش مولدین در اسارت (پرورش در مزارع) است.

وی توضیح داد: این روش فشار بر ذخایر طبیعی را کاهش می‌دهد و منبع پایداری از مولدین فراهم می‌کند که باید مورد توجه جدی قرار گیرد.



**گروه توسعه – علی افکار –** در شرایطی که ایران با مجموعه‌ای از بحران‌های پیچیده در حوزه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی مواجه است، بازنگری در سیاست‌های توسعه‌ای کشور بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است. تمرکز افراطی بر فلات مرکزی، توسعه نامتوازن، نابرابری فضایی و فشار بی‌سابقه بر منابع طبیعی، به‌ویژه آب، کشور را در مسیر ناپایداری قرار داده است. در چنین بستری، توسعه پایدار نیازمند تغییر بنیادین در رویکردهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است؛ تغییری که از بازتعریف اولویت‌های فضایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مغفول‌مانده آغاز می‌شود. منطقه مکران، با ویژگی‌های منحصربه‌فرد جغرافیایی، اقتصادی و ترانزیتی، می‌تواند نقطه آغاز این تحول باشد؛ سکویی برای بازسازی ملی و گذار از بحران‌های ساختاری.

به گزارش روزنامه اقتصاد سراسرآمد، علی افکار، کارشناس ارشد حقوق در مطلبی اختصاصی برای این روزنامه به بررسی ظرفیت‌های راهبردی برای توسعه منطقه مکران پرداخته است. او در این نوشتار با تشریح چالش‌های ساختاری و مدیریتی موجود در این منطقه، راهکارهایی سیاسی و اجرایی برای توسعه پایدار در مکران را ارائه می‌دهد. این مطلب را در ادامه می‌خوانید: در چارچوب آمایش سرزمین و راهبرد دریاگرایی، مکران به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق ساحلی ایران، از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی، زیست‌محیطی و گردشگری برخوردار است که تاکنون به‌طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند. این منطقه، با بیش از ۶۰۰کیلومتر ساحل اقیانوسی و موقعیت ممتاز در اتصال به شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی و خاورمیانه، می‌تواند به دروازه‌ای راهبردی برای تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی بدل شود. در شرایطی که فلات مرکزی ایران با بحران‌های زیستی و جمعیتی مواجه است، انتقال بخشی از بار توسعه به سواحل مکران نه تنها ضرورتی زیست‌محیطی، بلکه راهبردی ملی برای تحقق توسعه متوازن، پایدار و آینده‌نگر است.

#### ظرفیت‌های راهبردی مکران

منطقه مکران، به‌ویژه در سواحل جنوب‌شرقی ایران، از ظرفیت‌های راهبردی بی‌نظیری برخوردار است که آن را به یکی از نقاط کلیدی در معادلات توسعه ملی و منطقه‌ای تبدیل کرده است. این منطقه با برخورداری از منابع طبیعی گسترده، اقلیم متنوع و جمعیتی جوان، می‌تواند به قطب جدیدی در حوزه‌های انرژی، گردشگری، شیلات و صنایع دریایی بدل شود. از منظر امنیتی نیز حضور در مجاورت مرزهای آبی و خشکی با پاکستان و نزدیکی به آب‌های بین‌المللی، مکران را به نقطه‌ای حساس و قابل‌انکاد راهبردهای دفاعی و دیپلماسی منطقه‌ای ایران تبدیل کرده است. این ویژگی‌ها، در کنار ضرورت کاهش تمرکز توسعه از فلات مرکزی، مکران را به اولویتی ملی در سیاست‌گذاری فضایی بدل می‌سازد.

موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی مکران، به‌ویژه بندر چابهار، نقش تعیین‌کننده‌ای در اتصال ایران به اقتصاد جهانی ایفا می‌کند. بندر چابهار، به عنوان تنها بندر اقیانوسی کشور، امکان دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد را فراهم کرده و از تحریم‌های محدودکننده عبورپذیرتر است. این بندر، با ظرفیت توسعه زیرساخت‌های بندری، لجستیکی و صنعتی، می‌تواند به هاب منطقه‌ای برای تجارت، ترانزیت کالا، و همکاری‌های چندجانبه بدل شود. نزدیکی به مسیرهای دریایی بین‌المللی و امکان رقابت با بنادر منطقه‌ای مانند گوادر و جبل علی، چابهار را در موقعیتی ممتاز قرار داده است که با سرمایه‌گذاری هدفمند، می‌تواند به موتور محرک توسعه جنوب‌شرق ایران و دروازه تعاملات اقتصادی کشور تبدیل شود.

از منظر ترانزیتی، مکران و بندر چابهار نقش کلیدی در اتصال ایران به کریدورهای بین‌المللی ایفا می‌کنند. این منطقه در امتداد کریدور شمال-جنوب، کریدور شرق-غرب، و مسیرهای پیشنهادی مانند کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب قرار دارد که امکان اتصال کشورهای آسیای مرکزی، روسیه، افغانستان و شبه‌قاره هند به بازارهای جهانی را فراهم می‌سازد. توسعه زیرساخت‌های ریلی، جاده‌ای و بندری در این منطقه، نه تنها موجب افزایش نقش ایران در زنجیره تأمین جهانی می‌شود، بلکه به تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی کشور در رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی نیز کمک می‌کند. مکران در این چارچوب، نه تنها یک منطقه محروم، بلکه یک گره راهبردی در نقشه آینده ایران است.

#### چالش‌های ساختاری ومدیریتی

منطقه مکران، علی‌رغم ظرفیت‌های راهبردی گسترده، با محرومیت تاریخی و عقب‌ماندگی زیرساختی مواجه بوده که توسعه آن را با موانع جدی روبه‌رو کرده است. در طول دهه‌های گذشته، این منطقه در حاشیه سیاست‌گذاری‌های ملی قرار داشته و از خدمات پایه‌ای مانند آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل و زیرساخت‌های صنعتی بی‌بهره مانده است. نرخ بالای بیکاری، پایین بودن سطح سواد، نبود مراکز درمانی مجهز، ضعف در شبکه‌های ارتباطی و فقدان صنایع متوسط یا بزرگ، از جمله شاخص‌های توسعه‌نیافتگی در استان‌های سیستان و بلوچستان و شرق هرمزگان هستند. این عقب‌ماندگی، نه تنها مانع جذب سرمایه‌گذاری شده، بلکه موجب مهاجرت گسترده نیروی انسانی و تضعیف ظرفیت‌های محلی شده است. یکی از دلایل اصلی این وضعیت، ضعف در سیاست‌گذاری و تمرکزگرایی ساساختاری در نظام برنامه‌ریزی کشور است. سیاست‌های توسعه‌ای ایران عمدتاً بر فلات مرکزی متمرکز بوده و مناطق پیرامونی، به‌ویژه سواحل جنوب‌شرقی، از اولویت‌های اجرایی خارج مانده‌اند. نبود آمایش سرزمین مؤثر، فقدان نهادهای منطقه‌ای قدرتمند و تصمیم‌گیری‌های متمرکز در تهران، موجب شده تا ظرفیت‌های مکران در قالب طرح‌های پراکنده و بدون انسجام دنبال شود. همچنین عدم هماهنگی میان نهادهای اجرایی، ضعف در پیگیری راهبردهای مصوب، و وابستگی بیش‌ازحد به بودجه‌های دولتی، توسعه این منطقه را به فرایندی کند و غیرپایدار تبدیل کرده است.

علاوه‌بر چالش‌های مدیریتی، مکران با مشکلات امنیتی، اقلیمی و منابع طبیعی نیز مواجه است. اقلیم خشک، کمبود منابع آب شیرین، نوسانات برق و دشواری‌های جغرافیایی مانند کوه‌های صعب‌العبور، توسعه زیرساخت‌ها را با هزینه‌های بالا و پیچیدگی‌های فنی همراه کرده است. از سوی دیگر، نامنی‌های پراکنده ناشی از فعالیت‌های تروریستی، قاچاق و ضعف در کنترل مرزها، اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش داده است. همچنین بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی، تخریب زیستگاه‌ها و نبود مدیریت محیط‌زیستی مؤثر، تاب‌آوری اکولوژیکی منطقه را تضعیف کرده است. این مجموعه چالش‌ها نشان می‌دهد که توسعه مکران نیازمند رویکردی چندبعدی، هماهنگ و مبتنی بر حکمرانی هوشمند است.

#### فرصت‌های توسعه پایدار

منطقه مکران با برخورداری از موقعیت جغرافیایی ممتاز، تنوع‌زیستی و فرهنگی و دسترسی به آب‌های آزاد، ظرفیت‌های قابل توجهی برای توسعه پایدار دارد. یکی از مهم‌ترین فرصت‌ها، گسترش گردشگری دریایی، اکوتوریسم و ژئوتوریسم است که می‌تواند ضمن حفظ محیط‌زیست، به توانمندسازی جوامع محلی و ایجاد اشتغال منجر شود. سواحل بکر، تالاب‌ها، کوه‌های منحصربه‌فرد و فرهنگ بومی غنی، زمینه‌ساز جذب گردشگران داخلی و خارجی هستند. با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های گردشگری، آموزش نیروی انسانی و ایجاد مسیرهای دسترسی مناسب، مکران می‌تواند به یکی از قطب‌های گردشگری پایدار در منطقه تبدیل شود.

در حوزه اقتصاد دریا، صنایع شیلات، کشتی‌سازی و آب‌شیرین‌کن‌ها از جمله ظرفیت‌های کلیدی هستند که می‌توانند نقش



فریادعزیزی -اقتصاد سراسرآمد

«سراسرآمد» بررسی کرد؛

# «مَکران» دروازه توسعه پایدار ایران می‌شود؟

صادرات غیرنفتی را تقویت کند. همچنین با توجه به موقعیت بندری مکران، توسعه صنایع کشتی‌سازی و تعمیرات دریایی، ضمن ایجاد اشتغال تخصصی، به ارتقای توان فنی کشور در حوزه دریایی کمک خواهد کرد. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در احداث آب‌شیرین‌کن‌ها نیز می‌تواند بحران آب را کاهش داده و زیرساخت‌های زیستی را تقویت کند.

از دیگر فرصت‌های راهبردی، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری‌های نوین است که می‌تواند مکران را به الگویی از توسعه سبز و هوشمند تبدیل کند. تابش شدید خورشید، وزش بادهای مناسب و امکان بهره‌برداری از انرژی جزرومد، زمینه‌ساز احداث نیروگاه‌های خورشیدیی و بادی در مقیاس صنعتی هستند. همچنین با جذب سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری‌های نوین مانند اینترنت اشیا، هوش مصنوعی، و مدیریت هوشمند منابع، می‌توان زیرساخت‌های منطقه را به‌روز کرده و بهره‌وری را افزایش داد. این رویکرد نه تنها موجب کاهش وابستگی به منابع فسیلی می‌شود، بلکه تاب‌آوری اقتصادی و زیست‌محیطی منطقه را نیز ارتقا می‌بخشد.

#### راهکارهای سیاستی واجرابی

برای تحقق توسعه پایدار در منطقه مکران، اتخاذ راهکارهای سیاستی و اجرایی منسجم و تحول‌گرا ضروری است. نخستین گام، تغییر رویکرد از خشکی‌محوری به دریاگرایی در سیاست‌گذاری ملی است؛ به‌ویژه با توجه به اهمیت فزاینده اقتصاد دریا در تجارت جهانی، امنیت انرژی و توسعه پایدار. این تحول مستلزم بازنگری در برنامه‌های آمایش سرزمین، اولویت‌دهی به سواحل جنوبی در تخصیص منابع، و ارتقای نقش مکران در راهبردهای کلان اقتصادی و امنیتی کشور است. همچنین تقویت آموزش‌های تخصصی دریایی، توسعه بنادر چندمنظوره و ایجاد پیوند میان اقتصاد محلی و زنجیره‌های جهانی ارزش، از الزامات این رویکرد جدید به‌شمار می‌روند.

در گام دوم، تمرکززدایی و تقویت حکمرانی منطقه‌ای باید در دستور کار قرار گیرد تا ظرفیت‌های محلی بتوانند در فرایند تصمیم‌گیری و اجرا نقش آفرینی مؤثر داشته باشند. ایجاد نهادهای منطقه‌ای با اختیارات اجرایی، واکزاری بخشی از منابع و اختیارات به استان‌ها و تقویت مشارکت جوامع محلی در طراحی و اجرای پروژه‌ها، می‌تواند موجب افزایش کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی در مدیریت توسعه شود. همچنین هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، نهادهای علمی، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد، بستری برای هم‌افزایی و کاهش موازی‌کاری فراهم می‌سازد.

در نهایت، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، ارتباطی و خدماتی، نقش کلیدی در شکوفایی اقتصادی مکران دارد. ارائه مشوق‌های مالیاتی، تضمین‌های حقوقی و تسهیل فرایندهای اداری برای سرمایه‌گذاران، می‌تواند اعتماد و انگیزه ورود سرمایه را افزایش دهد. توسعه شبکه‌های جاده‌ای، ریلی و هوایی، ارتقای بنادر و پایانه‌های صادراتی و گسترش زیرساخت‌های ارتباطی دیجیتال، نه تنها موجب اتصال مؤثر منطقه به بازارهای داخلی و بین‌المللی می‌شود، بلکه زمینه‌ساز رشد صنایع، گردشگری و خدمات شهری خواهد بود. این مجموعه اقدامات، در صورت اجرا با رویکردی هماهنگ و بلندمدت، می‌تواند مکران را به یکی از قطب‌های توسعه‌محور کشور تبدیل کند.

#### نتیجه‌گیری وجمع‌بندی

منطقه مکران، با موقعیت راهبردی و ظرفیت‌های طبیعی و انسانی گسترده، می‌تواند به سکویی برای بازسازی ملی و تحول در الگوی توسعه ایران تبدیل شود. این منطقه نه تنها دروازه‌ای به آب‌های آزاد و مسیرهای بین‌المللی تجارت است، بلکه بستری برای آزمون مدل‌های نوین حکمرانی، توسعه پایدار و مشارکت‌محور به‌شمار می‌رود. سرمایه‌گذاری هدفمند در مکران، ضمن رفع محرومیت‌های تاریخی، می‌تواند الگویی از توسعه متوازن، زیست‌محیطی و فراگیر ارائه دهد که به سایر مناطق کشور نیز قابل تعمیم باشد. در این چارچوب، مکران از یک منطقه حاشیه‌ای به یک محور تحول ملی ارتقا می‌یابد. تحقق این چشم‌انداز، مستلزم هم‌افزایی میان دولت، نخبگان و جامعه مدنی است. دولت باید با اصلاح سیاست‌های تمرکزگرا، ایجاد نهادهای منطقه‌ای توانمند و تسهیل سرمایه‌گذاری، نقش تسهیل‌گر و پشتیبان را ایفا کند. نخبگان دانشگاهی، پژوهشگران و فعالان اقتصادی نیز می‌توانند با ارائه راهکارهای علمی، تربیت نیروی انسانی متخصص و مشارکت در پروژه‌های توسعه‌ای، به ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری و اجرا کمک کنند. جامعه مدنی، به‌ویژه در قالب شوراهای محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌های بومی، نقش کلیدی در نظارت، مطالبه‌گری و تقویت سرمایه اجتماعی ایفا خواهد کرد. در مجموع، مکران می‌تواند در بازتعریف قدرت ملی و تحقق توسعه متوازن نقش آفرینی کند. با تبدیل این منطقه به قطب اقتصاد دریا، انرژی‌های تجدیدپذیر، گردشگری و فناوری‌های نوین، ایران قادر خواهد بود جایگاه خود را در معادلات منطقه‌ای و جهانی ارتقا دهد. همچنین توسعه مکران به عنوان الگویی از عدالت فضایی، می‌تواند شکاف‌های تاریخی میان مرکز و پیرامون را کاهش داده و انسجام ملی را تقویت کند. این مسیر، نیازمند اراده سیاسی، برنامه‌ریزی علمی و مشارکت فراگیر است تا مکران از یک فرصت بالقوه به یک دستاورد ملی تبدیل شود.

محور تحلیلی	چالش‌ها و موانع	فرصت‌ها و ظرفیت‌ها	راهکارهای سیاستی و اجرایی	پیامدهای راهبردی و ملی
توسعه زیرساختی و خدماتی	عقب‌ماندگی تاریخی، ضعف در حمل‌ونقل، ارتباطات و خدمات پایه	موقعیت بندری، امکان اتصال به بازارهای منطقه‌ای و جهانی	توسعه شبکه‌های جاده‌ای، ریلی، بندری و دیجیتال؛ ارتقای خدمات عمومی	افزایش بهره‌وری، کاهش محرومیت، تقویت پیوندهای اقتصادی داخلی و خارجی
حکمرانی و سیاست‌گذاری	تمرکزگرایی، نبود نهادهای منطقه‌ای، ضعف در آمایش سرزمین	امکان آزمون مدل‌های مشارکتی و منطقه‌محور	تمرکززدایی، ایجاد نهادهای محلی توانمند، مشارکت نخبگان و جامعه مدنی	ارتقای کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی در مدیریت توسعه
اقتصاد دریا و منابع طبیعی	بهره‌برداری ناکارآمد، نامنی، بحران آب و تخریب زیست‌محیطی	شیلات، کشتی‌سازی، آب‌شیرین‌کن‌ها، انرژی‌های تجدیدپذیر	جذب سرمایه‌گذاری، توسعه صنایع دریایی، مدیریت پایدار منابع طبیعی	تنوع‌بخشی به اقتصاد ملی، افزایش صادرات غیرنفتی، تاب‌آوری زیست‌محیطی
گردشگری و توسعه انسانی	نبود زیرساخت، ضعف آموزش، مهاجرت نیروی انسانی	اکوتوریسم، ژئوتوریسم، فرهنگ ظرفیت‌های آموزشی و دانشگاهی	سرمایه‌گذاری در گردشگری پایدار، آموزش تخصصی، توانمندسازی جوامع محلی	اشتغالزایی، حفظ میراث فرهنگی، تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام ملی

#### بدون شرح

#### قاب‌دوربین



عکس: امیربشارتی